

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [ایران وایر](#)]

[تاریخ: ۲۷ دسامبر ۲۰۱۴ [۶ دی ۱۳۹۳]

سوال و جواب حقوقی

تبلیغ علیه نظام مقدس؛ اتهامی علیه آزادی بیان

حسین رئیسی

۱) فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و اهانت به مقدسات دینی در قوانین ایران چگونه تعریف می شود و مجازات آن چیست؟ ۲) صدور قرار بازداشت موقت در چه مواقعی امکان پذیر است؟ ۳) دستگیری و جلب بدون احضار متهم تحت چه شرایطی می تواند انجام گیرد؟ حسین رئیسی، حقوقدان در این بلاگ پرونده یکی از موکل های خود را مرور کرده و به این سوال ها پاسخ می دهد.

در این گزارش، شما را دعوت می کنم که به جلسه دادگاه انقلاب برویم، وقت زیادی از شما نمی گیرد:

قاضی خطاب به متهم: "حسب کیفرخواست دادستان عمومی و انقلاب شما متهم به فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و اهانت به مقدسات دین مبین اسلام هستید."

متهم: "کیفرخواست را قبول ندارم."

نماینده دادستان توضیح می دهد متهم در وبلاگ خود به انتقاد از شیوه قانونگذاری در ارتباط با زنان و کودکان پرداخته و از این طریق به قوانین شریعت اسلام اهانت کرده و آنها را ابتدایی خوانده و بدین طریق نظام جمهوری اسلامی را تضعیف کرده است. او اضافه می کند به دلیل اینکه اسلام و مقررات شریعت اسلامی از ارکان اساسی نظام جمهوری اسلامی محسوب می شود و نظام سیاسی بر اساس آن بنا نهاده شده، هر عملی که تبلیغ علیه ارکان اساسی حکومت باشد، مصداق فعالیت تبلیغی علیه نظام محسوب می شود. نماینده دادستان همچنین به دلیل اینکه متهم در طول تحقیقات با مأمورین همکاری نکرده و بیم تکرار جرم در او و دیگران می رود، درخواست اشد مجازات به اضافه تبعید، ممنوعیت از فعالیت مطبوعاتی، اداره وب بلاگ و صفحه فیس بوک، مستندا به مواد (۱) ۵۰۰ و (۲) ۵۱۳ قانون تعزیرات و ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی را دارد.

متهم همه مطالب و بلاگ خود را در راستای بهبود شرایط حقوقی زنان و کودکان دانسته و نقد قوانین را مستلزم توهین و یا تبلیغ علیه نظام نمی داند. او گزارش استنادی وزارت اطلاعات را مغرضانه توصیف کرد که در راستای سیاست انسداد فرهنگی و سرکوب آزادی بیان صورت می گیرد. او همچنین بازداشت و شرایط بازداشت خود را مورد انتقاد قرار داد.

محورهای دفاع وکیل متهم:

الف) جایز نبودن جلب و دستگیری: صرف نظر از اینکه هر دو اتهام انتسابی به طور قطع از جرایم سیاسی محسوب می شوند و قطع نظر از اینکه جرم سیاسی در قانون تعریف شده یا نشده، نمی توان منکر وجود جرم سیاسی شد و از این طریق با منتقدین نظام سیاسی و حقوقی مانند مجرمین خطرناک برخورد کرد و قطع نظر از اینکه مجرمین خطرناک را نیز نمی توان مورد بازداشت غیر قانونی در شرایط غیر انسانی قرار داد. صرف نظر از اینکه متهم در این نوع پرونده ها مجرم شناخته و یا تبرئه گردد، حقوق اولیه او در بدو بازداشت و ادامه آن تا پایان دادرسی و

مختومه شدن پرونده سلب گردیده است. به طور کلی، هر جا اتهامی به وسیله مامورین اطلاعات به کسی نسبت داده می شود، مهم جلوه می کند، در حالی که اهمیت اتهام به اهمیت مامور ضابط ربطی ندارد، بلکه به میزان مجازات آن است، مثلاً جرم تبلیغ علیه نظام یک جرم غیر جدی است، چون میزان مجازات آن ناچیز است. در باره این جرم به هیچ وجه جلب بدون احضار و دستگیری و بازداشت نمی تواند قانونی باشد. سنت نادرستی در دستگاه قضایی نهادینه شده که هر پرونده ای را که مامورین وزارت اطلاعات آماده کرده و به دستگاه قضایی می فرستند، تنها بدین دلیل که مامورین امنیتی آنرا آماده کرده اند، " امنیتی " دانسته می شود.

همچنین مامورین وزارت اطلاعات بدون احضار اقدام به بازداشت متهم کرده اند، در صورتی که این اقدام نیاز به مجوز مقام قضایی دارد و مقام قضایی موظف است در راستای مقررات قانونی و تنها در صورت ضرورت دستور بازداشت و دستگیری متهم بدون احضار قبلی را صادر کند. قانون آیین دادرسی کیفری دو دلیل را برای جلب و دستگیری بدون احضار متهم بیان کرده: نخست به دلیل اهمیت جرم اتهامی، نظیر قتل عمد و سپس به دلیل شخصیت متهم به عنوان مثال هنگامی که متهم بی خانمان است و امکان احضار او غیر ممکن باشد. [۴] حال سوال اینجا است: متهم این پرونده که متهم به ارتکاب جنایت نیست و ولگرد نیز نیست! پس چه حکایتی است که ایشان و متاسفانه همه موارد مشابه به چنین سرنوشتی دچار می شوند! این اقدام فاقد مشروعیت حقوقی است و قانون از آن حمایت نمی کند، حق متهم برای شکایت از مقامات قضایی و مامورین اجرایی یک امر فاقد مشروعیت قانونی محفوظ است.

ب) بازداشت متهم: جلب و دستگیری متهم با درخواست مامورین امنیتی به عمل آمده و تمکین مقام قضایی در قبال درخواست خلاف قانون آنها به خوبی نشان داده که متهم پس از جلب باید در بازداشت بماند. این پیام به قاضی به سادگی منتقل شده و او نیز بر خلاف مقررات بدون اینکه دلیلی برای صدور قرار بازداشت موقت وجود داشته باشد، مبادرت به اجابت فرمان مامورین کرده است. صدور قرار بازداشت موقت تنها به دو جهت ممکن است، نخست به دلیل اهمیت جرم موضوع اتهام و قرار داشتن آن در زمره جنایت و جرایم بسیار جدی که مصادیق آنها در قانون روشن شده و دوم به دلیل وضعیت متهم از این نظر که ممکن است دلایل را از بین برده و یا بیم فرار و یا تبانی او وجود داشته باشد. [۵] در غیر این صورت بازداشت متهم پیش از اثبات جرم در دادگاه صلاحیت دار نقض حق بر آزادی و اصل برائت موضوع اصل ۳۷ قانون اساسی است. قانون آیین دادرسی کیفری تنها در جرایم مهم و برای کسانی که متهم به ارتکاب جنایت شده اند و آزادی آنها می تواند برای جامعه خطر بالقوه داشته باشد و یا اینکه در جرایم جدی بیم فرار متهم وجود داشته باشد، صدور قرار بازداشت موقت را الزامی و یا جایز دانسته است.

اتهامات فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مقدسات هیچ یک از جرایم جدی محسوب نمی شوند، چون مجازات اهانت به مقدسات یک تا پنج سال زندان و فعالیت تبلیغی علیه نظام سه ماه تا یک سال حبس پیش بینی شده است. بدین سبب هیچ یک جرم جدی و از موارد تصریح شده قانونی برای جواز و الزام صدور قرار بازداشت نیست. بیم فرار و تبانی متهم با شهود نیز در این موارد معمولاً منتفی است، قطع نظر از اینکه این اتهامات زمانی متوجه فرد می شود که به صورت مستمر ارکان اساسی نظام سیاسی جامعه را از طریق انتشار مطالب در خطر قرار دهد، و از یک خبرنگار چنین رفتاری متصور نیست. تجربه نیز نشان می دهد تمام کسانی که به اتهام تبلیغ علیه نظام متهم می شوند، صرفاً از بخش هایی از حاکمیت که مغایر منافع مردم رفتار می کنند، انتقاد کرده اند. جالب است که تا پیش از سال ۱۳۷۵ چنین موضوعی جرم نبوده و در زمان تصویب ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی در مجلس در همان سال برخی نمایندگان یادآوری می کنند که این جرم می تواند تهدیدی جدی برای آزادی بیان محسوب شود، [۶] چنانکه امروزه اینچنین است.

تحلیل ماجرا

تمامی اقدامات مامورین و دادگاه های انقلاب علیه اقلیت های دینی مانند بهاییان، نوکیشان مسیحی و متهمان اهل سنت، خبرنگاران، فعالان انتیکی، دانشجویان، وکلای مستقل، فعالان کارگری و فعالان مدنی و اقدامات دادگاه های تجدید نظر و دیوان عالی کشور در تایید تصمیمات دادگاه های انقلاب نقض حقوق مسلم متهم بر مبنای حقوق داخلی محسوب می شود. بدون ضرورت پرداختن به مقررات مورد تعهد دولت ایران و بدون نیاز به تحلیل های احمد شهید، در صورت تحقق حکومت قانون به سادگی می توان همه مقامات امنیتی و قضایی که رفتارهای مورد اشاره علیه متهمان را جایز دانسته و مستقیماً و یا غیر مستقیم دستور به اجرای آنها می دهند و همه مامورینی که آنها را اجرا می نمایند را بجای همین متهمین محاکمه و مجازات نمود!

پانوشت:

۱. ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات، مصوب خرداد ۱۳۷۵ مقرر میدارد "هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد."

۲. ماده ۵۱۳ همان قانون "هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام میشود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد."

۳. ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ "دادگاه می تواند فردي را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه يك محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابي و خصوصیات وي به يك یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید: الف- اقامت اجباري در محل معین."

۴. ماده ۱۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۸- قاضي مي تواند در موارد زیر بدون اینکه بدوا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند: الف - در جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص، اعدام و قطع عضو است. ب - متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسب آنها معین نبوده و اقدامات قاضي برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد.

۵. مواد ۳۲ و ۳۵ همان قانون.

۶. میر محمد صادقی، حسین؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، ۱۳۸۵

دیدگاه نویسنده الزاماً بیانگر نظر ایران وایر نیست. ایران وایر در بخش وبلاگ ها، از انتشار همه دیدگاه ها استقبال می کند.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]